

# برخی رسانه‌ها مردم را به بانک‌ها بدبین می‌کنند

- نگاه نقادانه همراه با نگاه عالمانه اصلاح‌گر، حلقه مفقوده تصمیم‌سازی‌های رسانه‌ای است که نباید از آن غفلت کرد
- اخباری که از رسانه‌ها منتشر می‌شود، در تصمیمات مدیران اقتصادی تاثیرگذار است
- جامعه اقتصادی ایران نیازمند نگاه اصلاح‌مدارانه یا مصلح‌گرایانه‌تری نسبت به نگاه فعلی به شبکه بانکی است



دکتر احمد بهاروندی /

مدیرعامل بانک کارآفرین

در اقتصاد ایران از سال‌های ابتدای دهه ۵۰ که درآمد ارزی کشور چشمگیر بوده و عامل تاثیرگذار نرخ ارز برای نخبگان و تحلیلگران اقتصادی حساسیت بیشتری ایجاد کرده است، تاثیر عوامل روانی در این حوزه روز به روز بیشتر و عمیق‌تر حس می‌شود که نشان از قدرت رسانه در نرخ‌گذاری کالاها دارد که قابل حذف کردن هم نیست. این نرخ‌سازی‌ها به کل اقتصاد تعمیم داده می‌شود و اساسی می‌تواند گفت که رسانه، می‌تواند اقتصاد را متاثر کند.

گاهی اخباری که از رسانه‌ها منتشر می‌شود، در تصمیمات مدیران اقتصادی تاثیرگذار است. حتی ممکن است در این موارد مدیر اقتصادی به جای رویکرد فعالانه، منفعل عمل کند، به این معنی که اول خبر رسانه‌ای منتشر و موضوعی در جامعه مطرح می‌شود، سپس مدیری سیاست‌گذار تصمیم می‌گیرد، اقدامات خود را با اتفاق رخ داده تطبیق

با نگاه به تحولات حوزه اقتصاد، عمیق‌تر شدن اثر انتظارات در آن به وضوح قابل رویت است و با گذشت زمان، اثر انتظارات روانی جامعه و برداشت عمومی از آتیه اقتصاد، سرنوشت‌سازتر می‌شود. به عنوان مثال می‌توان مصداق ارز را در نظر گرفت. بر همگان مشخص است که موتور عوامل بنیادین، در حال کار کردن است، ولی اینکه اثر این عوامل بنیادین زودتر یا شدیدتر نمایان شود یا خیر، در بسیاری از موارد نشأت گرفته از عامل روانی و عامل رسانه است. به عبارتی می‌توان گفت جریان رسانه‌ای و عوامل روانی گاهی این فنر فشرده را زودتر از موعد باز می‌کند، یا حتی به صورت نابهنجار در طول زمان نرخ‌گذاری را متاثر می‌کند.





برهنگان  
مشخص است  
که موتور عوامل  
بنیادین، در  
حال کار کردن  
است، ولی اینکه  
اثر این عوامل  
بنیادین زودتر یا  
شدیدتر نمایان  
شود یا خیر، در  
بسیاری از موارد  
نشأت گرفته  
از عامل روانی  
و عامل رسانه  
است

عدم امکان پاسخ مثبت بانک‌ها به همه متقاضیان در صف تسهیلات (به خصوص در ادوار شدیدتر تورمی که صف متقاضیان تسهیلات به شدت افزایش می‌یابد)، عملکرد نامناسب برخی بانک‌ها و ... جستجو کرد که چرایی هر کدام در جای خود قابل بررسی و تحلیل است. البته در کشورهای دیگر نیز وحتى اقتصادهای پیشروترین این نگاه غالب در مقاطعی وجود دارد که مهم‌ترین آنها، مقاطع بروز رکود اقتصادی در اقتصاد است. یکی از این مثال‌ها که مستندات و مکتوبات رسانه‌ای آن هم منتشر شده است، رکود اقتصادی آمریکا در سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۵ میلادی است. رسانه‌ها در آن دوران یک شبکه‌سازی و مفاهمه‌سازی در حوزه اقتصاد و شبکه پولی ایجاد کردند که بر اساس آن، نگاه تقبیلی جامعه آن زمان آمریکا به عملکرد شبکه بانکی کشور با شدت بیشتری رقم خورد.

لازم است بدانیم که پول، حوزه پولی و شبکه پولی یکی از ارکان غیرقابل حذف اقتصاد است و در زمانی که یک رکن می‌تواند نقش قدرت افزایی در اقتصاد را ایفا نماید، دیگر نیاز به تخریب آن رکن نیست و در واقع به صلاح هم نیست که آن رکن را تضعیف کرد، بلکه بهتر است در صورت وجود اشکال، آن رکن رفع اشکال، ترمیم و اصلاح شود.

مجدداً اگر بخواهیم از یک مثال برای جافتادن بهتر مطلب استفاده کنیم، خوب است به بحران مالی جهانی بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ نگاهی بیندازیم. اتفاقات آن برهه که از آن با عنوان دوران بحران مالی وام‌های رهنی یاد می‌شود، در واقع زاینده اشتباهی بالای ریسک‌پذیری و در نهایت سوءمدیریت ریسک وام‌های رهنی و فرآیند تبدیل به اوراق بهادار نمودن سرفصل تسهیلات رهنی در ترانزاکشن برخی بانک‌ها و موسسات مالی آمریکایی بود که دامنه آن به شرق

دهد که نشان‌دهنده تأثیر وافر تغییر و تحولات حوزه رسانه و به خصوص هم‌راستا شدن تغییرات تکنولوژی در هم‌افزایی همه‌گیر شدن موضوعات رسانه در اقتصاد است.

چنانچه دست‌اندرکاران رسانه‌ای و خبرنگاران، آگاهی درستی در خصوص وظایف رسانه داشته باشند و بدانند در چه نقطه‌ای و در چه زمانی از تاریخ اقتصاد مشغول فعالیت هستند، مسلماً خبررسانی و تصویرسازی بهتر صورت خواهد گرفت که رسیدن به این هدف در وهله اول نیازمند مطالعه جدی و بالا بردن سطح آگاهی افراد شاغل در حوزه رسانه‌های اقتصادی و سپس کمک به مدیران در جهت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است.

در حال حاضر، جامعه اقتصادی ایران نیازمند نگاه اصلاح‌مدارانه یا مصلح‌گرایانه‌تری نسبت به نگاه فعلی به شبکه بانکی است. به عبارتی رسانه باید رسالتش را در رسیدن به این هدف به خوبی انجام دهد و با گفت‌وگو و گفتار سازی و گفتار سازی مناسب برای جامعه، برخی سوءتفاهماتی که در خصوص شبکه پولی وجود دارد را رفع کند.

البته که اشکالات و انتقادات جدی به عملکرد شبکه بانکی وجود دارد که باید به صورت منطقی و فعالانه در رفع آنها کوشید، ولی بررسی ادبیات موجود در حوزه اقتصاد نشانگر آن است که تقبیح عملکرد شبکه بانکی بر نگاه اصلاح‌مدارانه در خصوص آن غلبه جدی دارد. شاید بتوان دلایلی را نیز برای این نوع نگاه و سوگیری غالب اجتماعی برشمرد که مهم‌ترین آنها می‌تواند در تلاش پژوهشگران برای علت‌یابی تورم در اقتصاد ایران، برآورده نشدن انتظارات عمومی از ادبیات بانکداری بدون ربا، رکود در مقاطعی از اقتصاد، بالا بودن نرخ‌های سود مورد انتظار در تسهیلات پرداختی توسط بانک‌ها،

آسیا نیز تسری یافت و باعث خسارت‌های مالی فراوانی به اشخاص حقیقی و حقوقی حاضر در مقابل بهمین بحران شد. اما آنچه مدنظر ما از بیان این مثال بود، عبارت است از نحوه مدیریت پولی-مالی و رسانه‌ای آن اتفاق، به گونه‌ای که بدون آنکه ناامیدی همه جانبه به جامعه تزریق شود، بخش قابل توجهی از آن به نحو قابل قبولی مدیریت و مرتفع شد و سال‌هاست متن‌های مربوط به آن اتفاق در کتب درسی تدریس می‌شود و کارگاه‌های آموزشی برای مدیران و پژوهشگران برای آشنایی با اصل بحران و نحوه مدیریت آن برگزار می‌شود.

به نظر نگارنده، تفرق جدی در نگاه‌های اصلاحی سیاست‌گذاران آسیب‌رسان است و جا انداختن سیاست‌گذاری هماهنگ بهره‌ورساز در تمامی شئون سیاست‌گذاری در خصوص شبکه بانکی، حلقه‌های مفقوده در این مسیر است که رسانه می‌تواند در درونی کردن این مفهوم در جامعه و ترمیم و تکمیل دیدگاه‌ها، گام موثری بردارد.

ضمن اینکه رسانه‌ها در بسیاری موارد مروج اقدامات درست و منطقی در سیاست‌گذاری بوده‌اند، اما در مواردی نیز به سوءتفاهمات دامن می‌زنند. به طور مثال، در خصوص قوانین بودجه‌ای و مخصوصاً قوانین اخیر بودجه‌ای، کارشناسان معتقدند اعداد و ارقام تسهیلات تکلیفی بسیار بیش از حد توان شبکه بانکی است، اما این موضوع از ابتدا توسط رسانه‌ها شفاف‌سازی نمی‌شود و حتی بالعکس بر لزوم اجرای آنها به هر قیمتی پافشاری می‌شود و طبیعتاً بعد از یک بازه زمانی، به خاطر محقق نشدن این تکالیف، احساس ناخوشایندی نسبت به همکاری نکردن شبکه بانکی در جامعه شکل می‌گیرد و به سرعت حس بدبینی به عملکرد بانک‌ها تشدید می‌شود، در حالی که از ابتدای مسئله به‌واکوی درست موضوع پرداخته نشده بود. بنابراین، اگر از همان ابتدا آگاهی بخشی در جامعه صورت بگیرد و انتقادات سازنده حتی به قوانین مصوب مطرح شود، نه تنها اتفاقات مثبت و رو به جلویی را شاهد خواهیم بود، بلکه از تبعات بعدی اجتماعی و سوءتفاهمات عمومی نیز جلوگیری

خواهد شد. بالاخره ممکن است در یک کشور حتی در قانون‌نویسی نیز اشتباهات محاسباتی وجود داشته باشد، که امری طبیعی است و می‌توان با تذکر آن را اصلاح کرد.

این نکته حائز اهمیت است که اتفاقاتی که در حوزه اقتصاد رخ می‌دهد، در بسیاری از موارد در ویتترین شبکه بانکی نمایان می‌شود، ولی این به آن معنا نیست که ریشه آن مشکلات در شبکه بانکی به تنهایی است و مسئولان این حوزه مسبب آن هستند. به طور مثال وقتی در اقتصاد کسری عملیاتی بودجه زمن سالانه وجود دارد، منطقی است که انتظار داشته باشیم این کسری عملیاتی یا از مسیری پول درونی و نهایتاً اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی جبران شود و یا از مسیر استقراض مستقیم دولت از بانک مرکزی که هر دو اینها به افزایش پایه پولی و نهایتاً تورم مزمن منجر می‌شود که از منظر دیگر در ویتترین شبکه بانکی به صورت ناترازی بانک‌ها نمایان می‌شود. لذا می‌توان عنوان کرد که یکی از دلایل ناترازی شبکه بانکی، وجود کسری بودجه عملیاتی کشور است.

البته که شبکه بانکی در ایران دچار اشکالات ساختاری و متنوعی به دلایل متفاوت و متعددی است، اما آنچه واضح است این ساختار در بسیاری از شئون اقتصادی و اجتماعی کشور نقش جدی ایفا می‌کند و نگاه نقادانه همراه با نگاه عالمانه اصلاح‌گر، حلقه مفقوده تصمیم‌سازی‌های رسانه‌ای است که نباید از آن غفلت کرد. این الزام در تغییر نگاه، حتی در بررسی عملکرد سیاست‌گذار اصلی پولی، یعنی بانک مرکزی و چینش انتظارات از این نهاد نیز در جایگاه خود باید اصلاح شود و صرفاً مختص به بانک‌های کشور نیست. به طور مثال، در راستای اشاره قبلی به کسری بودجه عملیاتی و نحوه بروز تورم از مسیر ان‌منشاء، نمی‌توان بانک مرکزی را به تنهایی مسئول مهار تورم و حتی کل سیاست‌های پولی در کشور دانست، بلکه در این مورد خاص هماهنگی کاملی در تمام شئون قانون‌نویسی تا اجرا در قوای مختلف کشور همراه با اقدامات مناسب رسانه‌ای و همراه‌سازی افکار عمومی مورد نیاز است.

قدرت رسانه در  
نرخ‌گذاری کالاها  
قابل حذف  
کردن نیست و  
این نرخ‌سازی‌ها  
به کل اقتصاد  
تعمیم داده  
می‌شود و اساساً  
می‌توان گفت که  
رسانه، می‌تواند  
اقتصاد را متاثر  
کند

۷



اقتصاد

شماره ۱۷-آبان ۱۴۰۲



### تقیح عملکرد بانک‌ها با اصلاح اشکالات؟

اشکالات و انتقادات جدی به عملکرد شبکه بانکی وجود دارد که باید به صورت منطقی و فعالانه در رفع آنها کوشید، ولی بررسی ادبیات موجود در حوزه اقتصاد، نشانگر آن است که تقبیح عملکرد شبکه بانکی بر نگاه مدارانه، غلبه جدی دارد.